

حلی قوری



بسمه تعالی

دادگستری کل استان تهران

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع
قضایی شهید بهشتی تهران

ابلاغ الکترونیکی

شماره ابلاغیه : 140068100028255338

شماره پرونده : 9909980228100640

شماره بایگانی پرونده : 9900836

تاریخ تنظیم : 1400/05/31

شناسه ملی: 14000286830

نام سازمان خصوصی
سازی

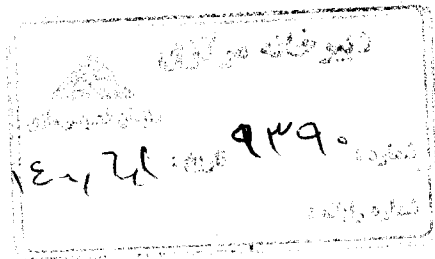
نوع ابلاغیه: ابلاغ دادنامه/قرارنهایی/تصمیم نهایی

متن ابلاغیه:

به پیوست يك نسخه دادنامه به شماره 9909970228101104 به حضور ارسال می گردد.

کیفیت امر ابلاغ: 1400/06/01 به سامانه ابلاغ ارسال گردید.

ابلاغیه در تاریخ



نشانی: تهران - خیابان شهید سهروردی - تقاطع خیابان سمیه - مجتمع قضایی شهید بهشتی

مهر ثبت و ضبط
۱۴۰۱/۰۶/۰۱

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَخْلُوا»

شماره دادرنامه : 9909970228101104

تاریخ تنظیم : 1399/11/21

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

شماره پرونده : 9909980228100640

شماره بایگانی شعبه : 9900836

دادنامه



دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه 9909980228100640 شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران تصمیم نهایی شماره 9909970228101104

تجدید نظر خواه: سازمان خصوصی سازی به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران - شهرک قدس - فاز یک - خیابان ایران زمین - خیابان مهستان - ساختمان شماره 15 با نمایندگی آقای محمد علی صنعتی و اکبر باقرزاده

تجدید نظر خواندگان:

1. آقای امید اسدیگی فرزند احسان اله با وکالت آقای حبیب اله سرهنگی فرزند یداله به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - خیابان شریعتی خیابان ملک ساختمان 44 واحد 3 (جهت سهولت در ابلاغ)

2. آقای مهرداد رستمی چگنی فرزند میرمحمد به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - پاسداران

3. شرکت بازرگانی دریایی نور زنوس به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران - میرداماد خیابان شنگرف پلاک 6 واحد 10

تجدیدنظر خواسته ها:

1. مطالبه خسارت دادرسی

2. سایر دعاوی غیرمالی

بسمه تعالی . به تاریخ چهارده بهمن نود و نه در وقت فوق العاده شعبه 21 عمومی حقوقی تهران به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل و پرونده تحت نظر است دادگاه با توجه به محتویات پرونده و با اعلام ختم رسیدگی و با استعانت از خداوند سبحان مبادرت به صدور رای می نماید .

رای دادگاه

در خصوص تجدیدنظرخواهی سازمان خصوصی سازی به طرفیت آقایان 1- امید اسدیگی 2- مهرداد

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - خیابان شهید سبهدی قری - تقاطع خیابان سمیه - مجتمع قضایی شهید بهشتی



رستمی چگنی 3- شرکت بازرگانی دریای نور زئوس با وکالت آقای حبیب اله سرهنگی از خواننده اول نسبت به دادنامه 38 - 1399/10/8 صادره از هیات داورى موضوع ماده 30 قانون اجرای سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی

الف - شرح واقعه : در راستای خصوصی سازی بنگاه های وابسته به دولت و حسب قرارداد 26116 - 1394/12/18 توسط سازمان خصوصی سازی 95 درصد از سهام شرکت کشت و صنعت هفت تپه به آقای اسدبیگی و رستمی چگنی و دریای نور زئوس به مبلغ مجموع (نقد و اقساطی) حدود 393 میلیارد تومان واگذار می گردد که حدود 10/5 میلیارد تومان نقدی پرداخت و مابقی با اقساط (20 قسط ، شش ماهه) 10 ساله استمهال می گردد که حسب قرارداد 19236 - 98/9/4 تمام سهم شرکت زئوس به آقای اسدبیگی منتقل می گردد و در حال حاضر آقای اسدبیگی حدود 67 درصد و آقای رستمی 33 درصد مالکیت داشته که بعدا حسب اقرارنامه و وکالت نامه اعطایی از مهرداد رستمی چگنی ، تمام حقوق 33 درصد هم به آقای اسدبیگی واگذار شده است لذا تمام سهام هفت تپه (95 درصد) در حال حاضر در مالکیت امید اسد بیگی است و حسب اعلام طرفین در جلسه رسیدگی دادگاه ، بجز مبلغ حصه نقدی ، صرفا مبلغ 35 میلیارد تومان از اقساط پرداخت شده است که 15 میلیارد تومان آن از حساب شرکت هفت تپه و نه از حساب خریدار پرداخت شده است که با توجه به متراژ اراضی هفت تپه که 24 هزار هکتار می باشند (240 میلیون متر مربع) در واقع امید اسد بیگی با پرداخت حدود 30 میلیارد تومان ، اراضی هفت تپه را به هر متر مربع 125 تومان (1250 ریال) خریداری نموده اند (؟ !) و حسب اظهارات در جلسه رسیدگی در دادگاه در 99/11/14 ، در هیات داورى توسط امید اسدبیگی پرونده با موضوع مطالبه خسارت از دولت به مبلغ 400 میلیارد تومان مفتوح به رسیدگی است و حسب اعلام اسدبیگی و وکیل وی نه تنها نباید ، مابقی ثمن را بپردازند بلکه دولت باید 400 میلیارد تومان علاوه بر اهدای هفت تپه و اراضی 240 میلیون متر مربعی آن (ماشین آلات و تجهیزات و نیروی انسانی و تولیدات شرکت در هر متر 125 تومان محاسبه نشده است) به آقای اسد بیگی نیز بپردازد (؟ !) سازمان خصوصی سازی به جهت تایید و تنفیذ فسخ قرارداد های واگذاری به شرح فوق و خسارات وارده دادخواستی به هیات داورى تقدیم نموده که حسب رای فوق ، حکم به رد دعوی سازمان خصوصی سازی صادر شده که مورد اعتراض و تحت رسیدگی این شعبه قرار گرفته است .

ب- دادگاه تجدیدنظر خواهی و اعتراض سازمان خصوصی سازی را وارد می داند زیرا

1 حسب اعتراض تجدیدنظر خواه ، خواسته تایید فسخ بعلت



1- عدم پرداخت اقساط و معوق شدن آن

2- عدم پرداخت حقوق و حق بیمه کارکنان و کارگران

3- عدم تصویب صورت های مالی

4- عدم تشکیل مجامع سالانه جهت انتخاب مدیران و بازرسین و ... انجام شده است

دادگاه ملاحظه می نماید خریدار صرفا از اقساط سررسید شده (7 قسط) صرفا 2 قسط اول (با تاخیر پرداخت شد) و بخشی از قسط سوم پرداخت شده است لذا حدود 4/5 قسط معوق شده است

2- مبلغ حدود 52 میلیارد تومان پرداخت شده توسط آقای اسد بیگی به حساب سازمان خصوصی سازی در سال 99 که پرداخت شده است با توجه به طرح پرونده کیفری علیه خریدار در شعبه 3 دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاصگران و مفسدان اقتصادی ، حسب دستور قاضی محترم شعبه (قاضی مسعودی مقام) در دو فقره دستور صریح قضایی در 99/8/18 و 99/9/9 ، مبلغ 52 میلیارد تومان صرفا در راستای پرداخت حقوق کارکنان و اورهال (تعمیرات اساسی بنگاه اقتصادی) کارخانه می توان از مبلغ اخیر بهره برداری نمود و صراحتا اعلام شده است " اساسا پرداخت اقساط واگذاری شرکت از این منابع امکان پذیر نمی باشد " که پرونده اخلاص عمده در نظام اقتصادی از طریق سردستگی در قاچاق سازمان یافته ارز به مبلغ حدود 1/5 میلیارد دلار مفتوح به رسیدگی است لذا پرداخت اخیر در سال 99 تادیه قسط نیست

3- موعد پرداخت ثمن حسب قرارداد مشخص شده است و حسب قرارداد تاکنون توسط خریدار می بایست قسط هفتم هم پرداخت می شد که حدود بیش از 80 میلیارد تومان اقساط معوق حال شده است و حسب ماده 395 قانون مدنی ثمن باید در موعد مقرر و براساس شرایطی که در عقد بیع توافق شده است پرداخت گردد و ضمانت اجرای عدم انجام شرط ، در قانون فسخ پیش بینی شده است

4- اعمال خیارفسخ در رابطه با ثمن به اراده ذوالاخیار است ، لذا سازمان صحیحا و با تاخیر در پرداخت اولین قسط ، حق سازمان خصوصی در سال 96 ایجاد شده است و تاخیر در اعمال حق که در زمان مدیریت اسبق و وقت سازمان (پوری حسینی) صورت گرفته است نافی حق فسخ و اعمال این حق نیست

5- حسب ماده 407 از قانون مدنی تسلیم ثمن باید در جای خود و به شخص ذی سمت انجام گردد و

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَخْلُوا»

شماره دادنامه : 9909970228101104

تاریخ تنظیم : 1399/11/21

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

شماره پرونده : 9909980228100640

شماره بایگانی شعبه : 9900836

دادنامه



دادگستری کل استان تهران

پرداخت مبلغ 52 میلیارد تومان (صرفنظر از اینکه منشا این پول مجهول است) در آبان 99 و خارج از مواعد مقرر قرار دادی ، در حکم عدم تادیه ثمن است

6- با تاخیر در پرداخت اقساط در موعد خود (صرفنظر از اینکه ثمن معامله کاملاً غیر واقعی توافق شده است) چون ارزش پول ملی در سنوات 96 تا 98 کاهش پیدا نموده است و متقابلاً ارزش املاک و اراضی و اموال منقول و محصولات کشاورزی چندین برابری شده است صرفاً فروشنده که به نمایندگی از آحاد جامعه اقدام می نماید متضررتر می شود (هر چند اگر خریدار عیناً مبلغ نقدی ثمن نقدی که حدود 290 میلیارد تومان بوده را می پرداخت ، با توجه به متراژ اراضی هفت تپه ، هر متر زمین را 1208 تومان می خریدند و طبقاً این پرونده اساساً به جهت حفظ بیت المال تشکیل نمی شد سوال که مطرح است چرا باید خاک یک سرزمین را به متری 1208 تومان - در فرضی که ثمن را عیناً و در سال 94 می پرداختند که نپرداخته اند و حاضر به پرداخت نمی باشند - فروخت و آن هم خاکی که خون داده ایم برای آن ، هر چند در وضع فعلی و با پرداخت حدود 30 میلیارد تومان عملاً متری 125 تومان واگذار شده است یعنی خاک خوزستان که حزب بعث عراق نتوانست آن را تصرف نماید توسط خصوصی سازی بی ضابطه به دیگران فروخته و هبه می شود ؟ و سوالی که مطرح است دولت برای جبران کسری بودجه این کار را می کند ؟ آیا واقعاً به 30 میلیارد تومان در قبال 24 هزار هکتار از بهترین و مرغوب ترین اراضی این سرزمین نیاز دارد ؟ !)

7- در ماده 11 قرارداد واگذاری به حق فسخ برای تاخیر ثمن اشاره و در ماده 8 قرارداد و در بند 8 آن ، خریدار موظف شده بعنوان تعهدات وی ، دستور العمل " نحوه نظارت پس از واگذاری " را رعایت نماید که حسب دستور العمل نحوه نظارت پس از واگذاری که ناظر بر جز 4 بند ب ماده 40 قانون سیاست های کلی است در ماده 8 و در بند الف و بند 3 اعلام شده " تاخیر بیش از دو ماه در پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان به گونه ای که باعث اخلاف در روند فعالیت بنگاه و یا شرکت گردد " که در صورت تحقق این شرط هم ضمانت اجرا ، حق فسخ است که این امر محقق شده است و اعتراضات کارگری در سنوات اخیر در خصوص تاخیر در پرداخت حقوق و دستمزد موید این است و حتی کماکان ادامه دارد

8- حسب بند الف از ماده 8 همان دستور العمل که به امضا خریدار رسیده است چنانچه صورت های مالی و مجامع سالانه برگزار نشود (علاوه بر تاخیر در پرداخت حقوق) حسب بند 8 بند ب ماده 8 دستور العمل صدر الذکر حق فسخ برای سازمان خصوصی سازی ایجاد خواهد که این حق فسخ علاوه

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - خیابان شهید سپهبد قرنی - تقاطع خیابان سمیه - مجتمع قضایی شهید بهشتی



شماره دادنامه : 9909970228101104

تاریخ تنظیم : 1399/11/21

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

شماره پرونده : 9909980228100640

شماره بایگانی شعبه : 9900836

دادنامه

دادگستری کل استان تهران

بر حق فسخ ماده 11 قرارداد در خصوص تاخیر در پرداخت اقساط است که شرکت هفت تپه بجز سال 95 که اولین مدیران شرکت انتخاب شده اند ، هرگز مجامع سالانه و ترازنامه ها و انتخاب مدیران و بازرسان انجام نشده و به ثبت شرکت ها نرسیده اند شاید عمده علت این تخلف خریداران (بجز حبس بودن مهرداد رستمی) نکته ای باشد که امید اسد بیگی در جلسه رسیدگی اعلام داشته است ، حسب اعلام امید اسد بیگی از زمان واگذاری هفت تپه از سال 94 هر سال بین 150 تا 200 میلیارد تومان (سال 98 بیش از 200 میلیارد تومان) سالانه زیان ایجاد شده هفت تپه بوده است که این امر با هدف واگذاری بنگاه ها به جهت چابک شدن و سودآوری در تضاد است و زیان ده بودن آن ، دقیقاً بخاطر اقدامات خریداران است زیرا اگر خصوصی سازی با قیمت صحیح و به افراد صاحب اهلیت واگذار شوند طبعاً بنگاه هفت تپه زیان ده نمی شد و عدم تشکیل مجامع سالانه به جهت کتمان زیانده بودن بنگاه در زمان مدیریت امید اسد بیگی بوده است

9- بخشی از استدلال هیات محترم داور در رد دعوی خصوصی سازی ، بر مبنای مواد 238 و 239 قانون مدنی استوار است و هیات داور معتقد است باید توسط خصوصی سازی اجبار خریدار به تادیه ثمن خواسته می شد که این استدلال غیروارد است زیرا

اولاً موضوع مواد اخیرالذکر ناظر بر شرط فعلی است که شرط فعل خارج از بحث ثمن است

ثانیاً صراحتاً متعاملین شرط نموده اند اگر ثمن در موعد پرداخت نشود حق فسخ ایجاد و استوار می گردد لذا اجبار به پرداخت ثمن ، پس از سررسید آن هم ناممکن است زیرا خریدار در هر حال مکلف به پرداخت ثمن است

10- استدلال رای بدوی مبنی بر اعطای مهلت توسط هیات واگذاری بر پرداخت اقساط ، غیروارد است زیرا

اولاً با رسیدن موعد هر قسط در سال 96 و 97 و 98 و ... بلافاصله حق سازمان برای فسخ مستقر شده است

ثانیاً : وظایف هیات واگذاری اعطای مهلت در پرداخت اقساط نیست و آنچه در بند 2 ماده 40 قانون اجرای سیاست های کلی اصل 44 آمده است ناظر بر قرارداد های جاری و در حال اجرا نیست زیرا مقتن در زمان تصویب قانون اجرای سیاست های کلی ... (حسب بند 2 در بند الف از ماده 40 از قانون فوق) وظیفه " تهیه آیین نامه نظام اقساطی واگذاری و نحوه دریافت بهای حقوق قابل واگذاری " را

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - خیابان شهید سپهبد قرنی - تقاطع خیابان سمیه - مجتمع قضایی شهید بهشتی

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلِبُوا»

شماره دادنامه : 9909970228101104

تاریخ تنظیم : 1399/11/21

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

شماره پرونده : 9909980228100640

شماره بایگانی شعبه : 9900836

دادنامه



دادگستری کل استان تهران

بر عهده هیات واگذاری گذاشته است که هیات واگذاری حسب مصوبه 63/206329/207947 مورخ 1387/12/18 آیین نامه نظام اقساطی راتصویب و به تصویب شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل 44 رسانده است و آنچه در تبصره ماده 4 از آیین نامه اخیر الذکر آمده است : " تبصره مواد خارج از مفاد این ماده حسب ضرورت به پیشنهاد سازمان خصوصی سازی به تصویب هیات واگذاری می رسد " صرفا مربوط به سال 87 و در زمان تصویب آیین نامه بوده است و مدنظر در تبصره این بوده ، اگر سازمان خصوصی سازی پیشنهاد اصلاح آیین نامه را دارد طبعا می تواند پیشنهاد اصلاح آیین نامه را اعلام نماید لذا و طبعا ، منظور آیین نامه این نیست در قرارداد هفت تپه ، که شرط و حق فسخ با پرداخت با تاخیر اولین قسط و عدم پرداخت اقساط سوم به بعد (تا قسط 7) مستقر شده است در سال 99 (مهر 99) مصوبه ای به تصویب برسد که به خریداران مجدد مهلت اعطا گردد لذا بعنوان مثال به یک فقره پیشنهاد اصلاح آیین نامه توسط سازمان خصوصی سازی می توان به تصمیم 90/3/4 در پنجمین نشست شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل 44 اشاره نمود (ابلاغ نامه 63/61539 - 90/4/14) که حسب بند 5 آن بخشی از آیین نامه نظام اقساطی اصلاح شده است فلذا باید اگر هیات واگذاری و سازمان خصوصی سازی پیشنهاد اصلاح آیین نامه را دارند صرفا باید به تایید شورای عالی اجرای سیاست ها (که در ماده 41 قانون اجرای سیاست های کلی اصل 44 پیش بینی شده است) برساند لذا به طریق اولی حق اعطای مهلت را به بدهکار ندارند

11- بحث اعطای مهلت به بدهکار از وظایف هیات واگذاری خارج است و مقنن اعطای مهلت را حسب ماده 277 از قانون مدنی از شئون محکمه و قاضی دانسته است که آن هم نیازمند طرح دعوی مربوطه (اعسار) است و در محکمه (مرجع قضایی) باید ناتوانی مالی را به اثبات برساند تا قاضی مهلت عادلانه اعطا نماید و اعطای مهلت عادلانه در اختیار هیات واگذاری نیست

12- به جهت اثبات اینکه تبصره ماده 4 آیین نامه نظام اقساطی واگذاری مربوط به قبل از فرآیند واگذاری است می توان اشاره نمود که اگر منظور مقنن از تبصره اعطای مهلت در زمان اجرای قرارداد بوده است ، این امر سبب جهل به وصول ثمن خواهد شد زیرا هرگز ثمن مضبوط نخواهد شد

13- از طرفی دقیقا در آیین نامه نظام اقساطی (که بعنوان متمم قرارداد خرید هفت تپه بر آن حاکم است) ماده 7 از آن چنانچه صرفا 2 قسط با تاخیر پرداخت گردد حق فسخ پیش بینی شده است

14- طبعا با توجه به موارد فوق و ماده 11 قرارداد و بند 8 ماده 8 قرارداد حق فسخ برای خصوصی سازی ایجاد و با تقدیم دادخواست اعلام فسخ انجام شده است

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - خیابان شهید سپهبد قرنی - تقاطع خیابان سمیه - مجتمع قضایی شهید بهشتی



15- حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله در "الثالث خيار الشرط" می فرماید : اعمال حق فسخ را به اراده صاحب حق فسخ (مشروطه له) دانسته است و مدت اعمال این حق را به اراده طرفین وابسته می داند یعنی طرفین می توانند مدت حق فسخ را مشخص نمایند که در فقره مطروحه ، مدت اعمال آن در زمان 20 قسط پرداخت ثمن که 10 سال بوده است دانسته اند (شروع اقساط از سال 95 بوده است) و هدف از وضع حق فسخ ، دفع ضرر از فروشنده (خصوصی سازی) بوده است زیرا اگر برای این حق لزوم و احترام قائل نشویم هرگز ثمن پرداخت نخواهد شد (کما اینکه با طرح دعوی واهی مطالبه خسارت در هیات داورى به خواسته 400 میلیارد تومان توسط امید اسد بیگی ، وی قصد پرداخت تنمه ثمن را ندارد بلکه مدعی است باید علاوه بر رایگان بودن دریافت هفت تپه ، دولت 400 میلیارد تومان هم به وی بپردازد ؟ !)

16- حضرت امام خمینی (ره) در همان کتاب در باب "القول فی النقد و النسیه" هدف از تعیین مدت برای پرداخت اقساط را به این دلیلی دانسته که خریدار در مهلت و مدت معین که جزء شرط قراردادی است اقدام به پرداخت ثمن نماید زیرا با تاخیر در پرداخت ثمن ، ارزش ثمن کاهش پیدا می نماید و برابری مبیع و ثمن را با چالش اساسی روبرو می نماید

17- در خصوص بقاء حق فسخ برای خصوصی سازی ، می توان به نظر حضرت امام خمینی (ره) در همان کتاب در بحث "القول فی احکام خيار" اشاره نمود که می فرمایند : زمانی که حق فسخ برای مشروط له ایجاد می شود حتی با فوت وی ، این حق از بین نمی رود بلکه به وراثت وی منتقل می شود که این امر حکایت از این دارد که اعمال و اعلام حق فسخ بصورت تام و تمام به اراده فروشنده (خصوصی سازی) وابسته است و زمانی که خریدار به تعهد خود برای پرداخت اقساط ثمن در مهلت اقدام ننماید حیات اعمال و اعلام خيار برای فروشنده مستدام است .

18- حضرت امام خامنه ای در کتاب رساله آموزشی جلد 2 در صفحه 154 در احکام معامله نقد و نسیه می فرمایند : "اگر مشتری ثمن را در زمان مشخص شده تحویل ندهد ، فروشنده حق فسخ معامله را ندارد مگر در ضمن معامله شرط کند که حق فسخ دارد" که این شرط در ضمن معامله انجام و توافق شده است .

19- شهید ثانی در کتاب شرح لمعه در ذیل مبانی خيار اشتراط در کتاب متاجر می فرماید : "در حالتی که به شرط قراردادی در پرداخت ثمن عمل نشود حق مشروط له (خصوصی سازی) برای اعمال حق فسخ محترم است" و چون زمان اعمال حق فسخ توسط خصوصی سازی مضبوط است (در طی



یک دوره ده ساله (لذا بیم غرر نسبت به حق فسخ منتفی است .

20- همچنین می توان به نافذ بودن اعمال حق فسخ به اراده صاحب این حق (که ایقاع است) به دیدگاه شیخ طوسی در کتاب خلاف جلد 2 در صفحه 15 اشاره نمود که می فرمایند : " اذا اختار من له الفسخ فی مده الخيار ، کان ذلک له و لم یفتقر الی حضور صاحبه و ... " که در فقره مطروحه ، سازمان خصوصی سازی که صاحب این حق است ، حق فسخ خود را که حسب قانون مربوط به سیاست های اصل 44 و توافق طرفین ایجاد شده است ، بواسطه هیات داورى اعلام و اعمال نموده است .

21- از طرفی اعمال حق فسخ ، در ماهیت ایقاع می باشد که به اراده یک طرف عقد یعنی مشروطه له وابسته است لذا اراده مدیون (اسد بیگی) در آن دخالتی ندارد و از طرفی دلیلی به جهت ابراء حق فسخ از جانب خصوصی سازی وجود ندارد و حق فسخ ساقط نشده است لذا به درستی مقنن در ماده 290 قانون مدنی به جهت سقوط حق داین (خصوصی سازی) برای حق فسخ ، ابراء آن توسط مشروط له را شرط اساسی دانسته است که توسط سازمان ، از حق خود عدول نشده است و ماده اخیرالذکر که بر مبنای دیدگاه فقهای امامیه (نظیر شیخ محمدحسین نجفی در جواهر احکام در جلد 10 - در باب هبه و مرحوم محقق در شرایع الاسلام در باب هبه) مصوب شده است حاکی از تایید شرعی و فقهی مقررہ صدرالذکر است

22- مرحوم عبدالله ما مقانی در نهاییه المقال در صفحه 4 در باب شک در بقاء حق فسخ می فرماید : " فی کل عقد و ایقاع عدم جواز رفع آثاره و فسخه الا بدلیل و ذلک لوجوه : الاول ، ان العقد او ایقاع اذ تحقق توجب اثر شرعی علیه ... و بالجله لاریب ان الاسباب الشرعیه بعد تحققها یترتب علیها آثارها ، فاذا شک فی اللزوم و الجواز ، فلازمه الشک فی انه لو فسخ هذا السبب هل یبطل ذالک المسبب الثابت ام الا بل هو باق علی حاله ... " بنابراین چون همه ادله ای که در باب اصاله لزوم در عقود وجود دارد در باب لزوم ایقاع هم جایز است بنابراین دادگاه با توجه به موارد صدرالعنوان و با توجه به مواد قانونی فوق و ماده 11 و بند 8 ماده 8 قرارداد فی مابین و با تقدیم دادخواست به هیات داورى ، فسخ را انجام شده دانسته و لذا به استناد ماده 30 از قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی و اصلاحیه های بعدی و مواد 20 تا 23 قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

1- مبادرت به صدور حکم بر فسخ دادنامه بدوی در خصوص حکم به رد خسارات وارده با بنگاه هفت تپه نموده و چون موضوع نیازمند خلع ید خریداران و حسابرسی ویژه بوده و در این مقطع امکان

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْلِبُوا»

شماره دادنامه : 9909970228101104

تاریخ تنظیم : 1399/11/21

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

شماره پرونده : 9909980228100640

شماره بایگانی شعبه : 9900836

دادنامه



دادگستری کل استان تهران

سنجش خسارت نیست مبادرت به صدور قرار عدم استماع دعوی اولیه سازمان خصوصی سازی برای خسارات وارده می نماید بدیهی است حق سازمان پس از خلع ید برای خسارات وارده محترم است

2- مبادرت به صدور حکم بر فسخ دادنامه بدوی با موضع حکم به رد خواسته تنفیذ فسخ نموده و این دادگاه مبادرت به صدور حکم بر تایید و تنفیذ فسخ قرارداد و اگذاری سهام کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به شماره قرارداد 26116 - 1394/12/18 و 19236 - 1398/9/4 و انتقال و استرداد سهام و ثبت در دفتر سهام بنام دولت را صادر و اعلام می دارد لذا از لحظه صدور حکم مالکیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر شرکت کشت و صنعت هفت تپه اعاده و متصرف خلع ید و کلیه حقوق و منافع به دولت اعاده می گردد این حکم قطعی است .

سلمان پورمریدی

دادرس شعبه 21 حقوقی تهران

امضای صادر کننده

دادرس دادگاه شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران - سلمان پورمریدی

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - خیابان شهید سپهبد قرنی - تقاطع خیابان سمیه - مجتمع قضایی شهید بهشتی

اطلاعات ابلاغیه

دریافت نسخه چاپی

مشاهده نسخه چاپی

بازسازی ابلاغیه

بررسی نتیجه

گزارش خطا

مشاهده/تغییر مشخصات ابلاغیه

مشاهده سابقه

شماره پرونده:

9909980228100640

شماره ابلاغیه:

140068100028255338

صادر کننده:

شعبه 21 دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران

تاریخ صدور:

1400/05/31

زمان اولین مشاهده:

1400/06/01-13:12

زمان درج در سامانه:

1400/06/01-13:10

موضوع ابلاغیه:

ابلاغ دادنامه/قرار نهایی/تصمیم نهایی

متن ابلاغیه:

به پیوست یک نسخه دادنامه به شماره 9909970228101104 به حضور ارسال می گردد.